

# صفحه‌های سنگی، مصدیقی از اسناد ملی

امیر منصور

و عکسهای قدیمی، از حیث تعداد و امکان دسترسی بسیار محدود و کمیاب می‌باشند. تعداد آثار و مدارک خطی و دستنوشته‌های تاریخی، متجاوز از صدها هزار برگه می‌باشد که به صورت کتب خطی و هنری، فرمانها، اسناد، نامه‌ها و مدارک دولتی و چهره‌های سیاسی و نامه‌ها و مدارک بازرگانی و اسناد متبادله بین توده مردم نظیر عقدنامه‌ها و صلحنامه‌ها و غیره، مورد توجه مراکز دولتی ذریبط، اهل تحقیق و پژوهش و مجموعه‌دارها می‌باشند. عکسهای قدیمی نیز بالغ بر یک دهه پس از تولد صنعت و هنر فتوگرافی، از نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری، جای خود را در ایران باز کرد و به عنصری ثابت در مستندسازی وقایع عصر تبدیل گردید. گنجینه عکسهای اصلی قدیمی ایران اعم از عکسهای آلبومخانه کاخ گلستان، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، مرکز اسناد ملی و سایر آرشیوهای دولتی و عکسهای فراوانی که به صورت پراکنده در آرشیوهای خصوصی و خانوادگی افزون بر یکصد هزار قطعه تخمین زده می‌شود و امکان جعل و مشابه سازی این عکسها نیز به گونه‌ای وجود دارد که تشخیص اصل و بدل برای عموم ممکن نیست.

در مقام مقایسه باید گفت صفحه‌های فارسی ضبط شده از هنرمندان ایرانی، تا پیش از جنگ جهانی اول - که در عصر قاجار ضبط شده‌اند - بالغ بر ۱۰۰۰ روی صفحه می‌باشد و بالحاظ کردن صفحه‌های فارسی ضبط شده در قفقاز، عثمانی و هند، نهایتاً ۲۰۰۰ روی صفحه می‌گردد که صفحه‌های باقیمانده از این مجموعه در آرشیو صدا و سیما و آرشیوهای دیگر در ایران، به ۱۵۰۰ عدد بالغ نمی‌گردد.

در بین دو جنگ جهانی (۱۳۱۹-۱۳۰۵) نیز - که عصر طلایی ضبط، تولید و فروش صفحه در ایران است - آمار صفحه‌های فارسی حدود ۲۴۰۰ روی صفحه (۱۲۰۰ صفحه) می‌باشد که صفحه‌های باقیمانده از آثار این دوره نیز، نزدیک به ۵۵۰۰ نسخه برآورد می‌شود. صفحه‌های سنگی ضبط شده از هنرمندان ایرانی پس از جنگ جهانی دوم، ۲۶۵۰ روی صفحه، و تعداد صفحه به جا مانده ۵۰۰۰ عدد تخمین زده می‌شود.

آسیب پذیر بودن حاد صفحه‌های سنگی در قیاس با سایر اسناد تاریخی، ما را با کاهش سریع و روزافزون این صفحه‌ها مواجه می‌سازد و جمع‌آوری و نگهداری آنها، کاری علمی، دشوار و پرهزینه می‌باشد که اگر از نگهداری سایر اسناد تاریخی دشوارتر نباشد، آسان‌ترین نیست.

ماحصل کلام آنکه، صفحه‌های سنگی را - که بخشی از اسناد ملی و میراث فرهنگی به شمار می‌روند - دریابیم!

صفحه‌های سنگی فارسی، اسنادی تاریخی با ویژگیهای منحصر به فرد و متعلق به دوره‌ای بالغ بر نیم قرن (۱۳۴۰-۱۲۸۴ ش.) هستند که تلاش برای حفظ و نگهداری آنها، وظیفه‌ای ملی و خدمتی فرهنگی است. مسیر تولید صنعتی و عرضه این صفحه‌ها از ضبط تا توزیع، تهیه و ارائه مدارک و مستنداتی را ناگزیر می‌ساخته که قابل اعتماد بودن و سندیت صفحه‌های سنگی را در قیاس با سایر اسناد تاریخی، حتی لوله‌های فونوگراف (موجود در ایران)، افزون می‌سازد.

۱- صفحه‌های سنگی عمده‌ترین منابع شنیداری برای مطالعات زبان‌شناسی و گویشهای مردم در مناطق گوناگون می‌باشد؛ مثلاً آثار ضبط شده، گویای آن است که گویش هنرمندان مقیم تهران در فاصله سالهای ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۰ ش.، دستخوش تغییرات فاحشی شده است.

۲- صفحه‌های سنگی، ارزشمندترین اسناد در عرصه شناخت موسیقی کهن ایرانی می‌باشند؛ زیرا نقطه آغاز در حفظ و انتقال صنعتی عین موسیقی و نغمه‌هایی هستند که سالها سینه به سینه و باروش استاد شاگردی، نگاهداری شده و حتی وضع خط موسیقی در گذشته و نوت نویسیهای کنونی، قادر به حفظ و انتقال تمامی ظرایف آن نبوده است.

۳- صفحه‌های سنگی، مأخذ مهمی برای پژوهش در فولکلور و فرهنگ مردم می‌باشند. بسیاری از آثار مطربی، سیاهبازی، تقلید، نمایشهای تخت حوضی و حتی ترانه‌های کوچک بازاری - که در صفحه‌های سنگی به یادگار مانده است - حاوی اطلاعاتی بی‌بدیل در این عرصه‌اند.

۴- صفحه‌های سنگی، اسنادی بکر در تاریخ بازیگری و نمایش در ایران می‌باشند. بخشهایی از اولین اپرتهای و نمایشهای موزیکال با اجرای برجسته‌ترین هنرمندان دهه آغازین قرن چهارم شمسی تا پیش پرده خوانیهای دهه بیست، در این صفحه‌ها محفوظ است.

۵- صفحه‌های سنگی، حاوی نکاتی قابل توجه برای نگارش علمی تاریخ معاصر موسیقی و شرح حال و زندگینامه و خاطرات هنرمندان می‌باشند.

۶- صفحه‌های سنگی، همچنین منابعی خاص برای پژوهش در تاریخ سیاسی هستند. اگر عکسهای فراوان از مظفرالدین شاه را به درست اسنادی تاریخی تلقی می‌کنیم، آیا تنها سه نمونه باقیمانده از صدای وی، اسناد تاریخی محسوب نمی‌گردند؟ آیا نظامنامه مقررات ضبط صوت در صفحات گرامافون - که در سال ۱۳۰۷ ش. به تصویب هیئت وزرا رسید - و مقدماتی که به این مصوبه انجامید، مسائلی سیاسی نیستند؟

۷- صفحه‌های سنگی، در مقایسه با سایر اسناد تاریخی چون دستنوشته‌ها